خوب وکم ناني عبد الرحمن بن احمد الجامي كه شاعر الحق بدين كلمه متكلم است در بيان تقاعد ترا ده مترنم كم

تا ده بودم بسي زبون افتاده / تا بيست وسي زره برون افتاده

در چهل وعمل داده چهل سال از دست / در پنجه بپنجهم كنون افتاده

قلم رحمت وغفران زند ورقم مغفرت ورضوان كشد

يا رب كردم بحكم ديوان ازل / ديوان عمل سيه چو ديوان غزل

ديوان غزل چه سود خالي ز خلل / ناشسته باب عفو ديوان عمل

بسم الله الرحمن الرحيم / اعظم اسماء عليم وحكيم

بحر جان حرم انس را / تازه حديثي است ز عهد قديم

نوزده حرفست كه هجده هزار / عالم ازو يافته فيض عميم

بسم بسه حرفست كه گويند بسم / حرز تو در ورطه اميد وبيم

بيش كم نيست ز دو بيني دو كون / نقطه صفت در كنف او مقيم

ارّه سينش به سه دندان كرد / فرق عدو را ز سياست دو نيم

چشمه ميمش ز زلال حيات / مي كند احياي عظام رميم

بر الف شو راي جادو وشان / شيوه اعجاز عصاي كليم

شاهد

شاهد معني چو ز لامش نهاد / طره شبرنگ بروي چو سيم

ماشطه خامه ز تشديد ها خت / شانه آن طره عنبر شميم

هاش كه با هاي هويت يكي است / فهم ذوي النهيه فيها يهيم

هست دو ره دوي وهر يك دري / حلقه آن در در عرش عظيم

غنچه حاييش بكشاده دهان / با تو كند عده رياض نعيم

بسته تو نون دامن رحمان كرفته / مي طلبد رحمت وفضل رحيم

ياش كه عشرست در عرش وشرع / ديده بينا وديده عقل سليم

از بركات حركاتش رود / سالك ره بر نهج مستقيم

ره سكون از سكناتش برد / هر كه شود بزم بقا را نديم

نجم هدي كشت همه نقطهاش / هر يك از آن راجم ديو رجيم

جامي اگر ختم نه بر رحمتست

بر چه شد خاتمه آن رحيم

سبحان من تحير في ذاته سواه / فهم خرد بكنه كمالش نبرده راه

از ما قياس ساحت قدسش بود چنانك / موري كند مساحت كردون ز قعر چاه

بر واحديتش صحيفه لاريب حجتي است / اينك نوشته از شهد الله بر ان كواه

Copyright © King Saud University